

نقد و بررسی سفرنامه حمزه میرزا

● دکتر محسن رحمتی
عضو هیأت علمی دانشگاه لرستان

زیرا در نتیجه این شکست موهن، دولت ایران امید، اندیشه و انگیزه ضابط و کنترل این بخش از کشور را از دست داد و زمینه برای توسعه طلبی روس ها در ماوراءالنهر و خراسان آماده گردید. چنان که بیست سال بعد از این حادثه، روس ها صفحات شمالی خراسان را تصرف کردند و مرزهای ایران به شکل امروزی تعیین گردید. خوشبختانه در میان منابع نسبتاً زیادی که درباره این حادثه اطلاعاتی به دست می دهند، سه گزارش مستقیم از سوی افراد حاضر در این لشکرکشی بر جای مانده که شرح مشاهدات آن ها است.

تاکنون دو گزارش از آن ها چاپ شده و در دسترس اهل دانش قرار گرفته است: یکی سفرنامه مرو نوشته سید محمد لشکر نویسنوری است که یک بار با عنوان دردناکترین واقعه قاجار در مجله خواندنی ها^۱ و بار دیگر به کوشش قدرت الله روشنی زعفرانلو در مجموعه سه سفرنامه چاپ شده است.^۲ دیگر شرح مسافرت و خاطرات هنری دوکولیووف دیولوک ویل فرانسوی است که از طرف شاه، به عنوان عکاس مأموریت داشت اردو را همراهی کند و در جریان هزیمت اردو، به دست ترکمن ها اسیر شد و تا چهارده ماه بعد که دولت ایران او را از ترکمن ها خریداری کرد، در دست آن ها اسیر بود. او شرح حال خود در این مدت را تحت عنوان چهارده ماه اسارت نزد ترکمن ها به سال ۱۸۶۶ در مجله دور دنیا در پاریس منتشر کرد. محمد علی جمالزاده این متن را به پاریس برگردانده و با عنوان بلای ترکمن در مجله نگین به چاپ رسانده است.^۳ اما سومین گزارش که مکمل و متمم شایسته ای برای این دو است، تحت عنوان سفرنامه حمزه میرزا تنظیم شده و تاکنون چاپ نشده است.

مشخصات نسخه:

تا آن جا که نگارنده اطلاع دارد، تاکنون فقط یک نسخه از این کتاب شناخته شده که در کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران مضبوط بوده و حالا به کتابخانه مرکزی آن دانشگاه انتقال داده شده و تحت شماره «۱۹ - د ادبیات» نگهداری می شود. این نسخه مشتمل بر ۴۹ برگ است که با خط شکسته نستعلیق بر روی کاغذهای فرنگی به ابعاد ۱۳×۱۹ سانتی متر نوشته و با مقوا جلد شده

مقدمه:

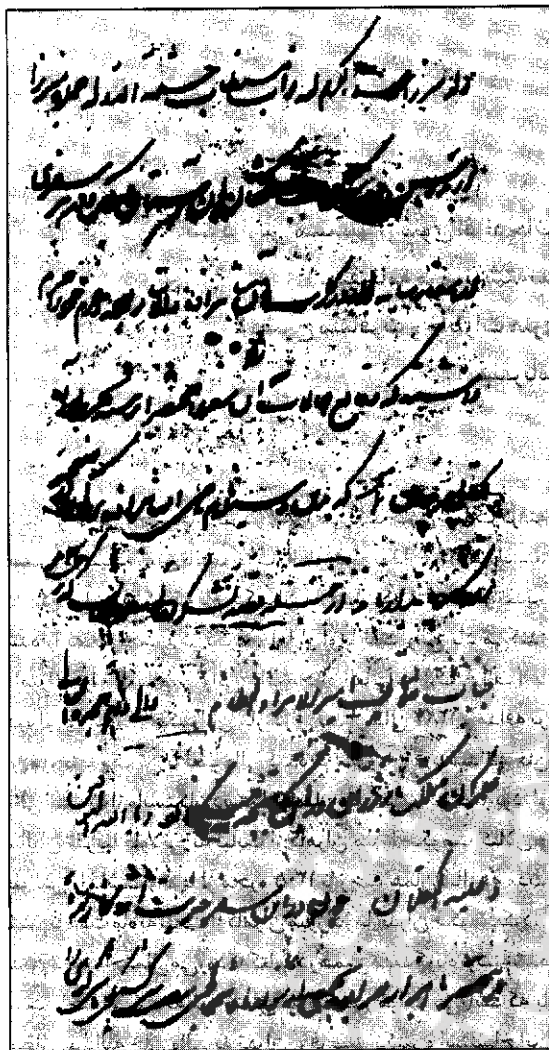
یکی از مهم ترین و مبهم ترین فرازهای تاریخ ایران در عصر قاجار، جنگ بدفرجام مرو است که با وجود تعدد منابع درباره این موضوع هنوز ناشناخته مانده است. شاید بتوان علت اساسی چنین قضیه ای را به دو عامل مربوط دانست: نخست سکوت مورخان مشهور عصر قاجار که برای رضایت خاطر اربابان خود، با ترهات و زخارف بی مایه به قلب وقایع تاریخی پرداخته، خیانت را خدمت جلوه داده و خدمت عناصر دلسوز و مثبت را نادیده انگاشته اند.^۴ دیگر عدم انتشار بخشی از منابع فراوانی که درباره این قضیه سخن رانده اند که یا به صورت متون خطی در کتابخانه ها محفوظ هستند و یا هنوز از زبان های اروپایی به زبان فارسی ترجمه نشده اند.

این لشکرکشی که در اواخر سال ۱۲۷۶ هـ. به منظور تحکیم قدرت دولت مرکزی در بین ایلات ترکمن ساکن شمال خراسان انجام گرفت، در اثر بی کفایتی فرماندهان قشون دولتی، به شکستی بزرگ مبدل شد. در طی آن لشکرکشی، بخش اعظم سپاه آماده دولت مرکزی در اثر ناپایداری ایلات ترکمن تکه تکه ساکن مرو از میان رفت و عده زیادی به اسارت ترکمن ها درآمدند.

دو فرمانده شجاع (!) اردوی دولتی یعنی هشمت الدوله و قوام الدوله، پیشاپیش فراریان، عرصه رزمگاه را ترک کرده و بقایای سپاه را به حال خود وا گذاشتند. کاملاً پیداست که چنین شکست و جشتمناکی بر اعتبار و حیثیت دولت قاجار به شدت تأثیر گذاشت. چرا که پیش از این سپاه ایران، از قشون تا بن دندان مسلح روسیه و انگلیس شکست خورده بود و در برابر دیگر مخالفان حتی امپراتوری عثمانی قدرت دفاعی قابل قبولی را به نمایش گذاشته بود. اما حالا سپاه قاجار در مقابل جمعی ایلات ترکمن تکه تکه که سلاح اکثر آن ها جز آلات و ادوات کشاورزی یعنی بیل و سنگ و چوب دستی و جز آن نبود، این شکست و جشتمناک را پذیرا شده بود. تأثیر قاطع این شکست بر تعیین مرزهای شمال شرقی و انتزاع بخش عظیمی از قلمرو کشور که در معاهده آخال (۱۳۰۰ هـ.) صورت قطعی به خود گرفت، بهترین مؤید بر ضرورت مطالعه و بازکاوی این حادثه و نتایج آن است.

یکی از خصایص قابل توجه سفرنامه حمزه میرزا، توصیف دقیق مکان های جغرافیایی محل توقف اردو است که از نظر مطالعات جغرافیای تاریخی منطقه فوق العاده مفید و ارزنده است

تصویر برگه
از سفرنامه
حمزه میرزا



تأثیر قاطع شکست مرو بر تعیین مرزهای شمال شرقی و انتزاع بخش عظیمی از قلمرو کشور که در معاهده آخال صورت قطعی به خود گرفت، بهترین مؤید بر ضرورت مطالعه و بازکاوی جنگ مرو و نتایج آن است

است. متأسفانه اندکی از مطالب آغاز نسخه و مقداری نامعلوم از پایان آن افتاده و در برگ‌های پایانی موجوده نیز گوشه سمت راست صفحه پاره و برخی کلمات مضمحل شده است.

اگرچه با وضعیت کنونی نسخه، زمان کتابت و نام کاتب آن روشن نیست، اما به احتمال قریب به یقین این نسخه متعلق به مؤلف و یا خیلی نزدیک به آن می‌باشد. خط آن خوانا و مفهوم است، جز در برخی موارد که قسمتی از متن مخدوش و یا پارگی در صفحات ایجاد شده است و یا مواردی که کلمات بدون استعمال نقطه نوشته شده‌اند که در برخی جاها می‌توان آن‌ها را به دو صورت قرائت کرد.

لازم به یادآوری است که راقم سطور متن نسخه حاضر را با تمام متون موازی آن، مقایسه و مطابقت کرده و با ذکر اختلاف بین آن‌ها و تعلیقاتی راجع به اسامی رجال و امکان آماده چاپ کرده است. امید است عن قریب به زیور طبع آراسته گردد و در دسترس دانش پژوهان قرار گیرد.

عنوان مؤلف و زمان تألیف:

متأسفانه نسخه مفرد بر جای مانده، اطلاعات کافی برای شناخت دقیق نویسنده و زمان تألیف آن به دست نمی‌دهد و ناگزیر، براساس شواهد و قرائن ذیل، برای شناسایی مؤلف به حدس و گمان متوسل می‌شویم:

در نخستین سطر بخش موجود نسخه، از نویسنده‌ای به نام مولد میرزا عبدالکریم لله‌ی حشمة‌الدوله یاد شده است، اما معلوم نیست که خود او یا پدرش عبدالکریم اتابکی شاهزاده حمزه میرزا حشمة‌الدوله را عهده‌دار بوده‌اند. اگر نویسنده خود دارای این منصب بوده باشد با توجه به تولد حمزه میرزا در حدود ۱۲۴۰ هـ. در زمان جنگ مرو، حدود شصت ساله بوده است. یعنی بیست و چند سال بزرگتر از شاهزاده تحت تربیت خود.

آن‌چنان که در ادامه خواهد آمد ظاهراً تا سال ۱۳۰۵ هـ. در قید حیات بوده است و از این نظر باید از عمری طولانی (حدود نودسال) برخوردار بوده باشد. هم‌چنین او در متن کتاب خبر می‌دهد که پس از ترسیدن شاهزاده سلطان حسین میرزا از جنگ با ترکمن‌ها، فرماندهی هزارسوار ابواب جمعی ایشان به نویسنده کتاب محول گردیده است (گ ۴ ب) و این قضیه مبین تبحر او در امور نظامی است.

او در شرح منازل بین راه تارسیدن به مرو، از تشنگی شدید سپاهیان در منزل کوچه قم خبر می‌دهد و می‌افزاید که تعلیم را به کندن چاه راهنمایی کرده و باریسیدن به آب، از مرگ نجات یافته‌اند. (گ ۶ الف - ۷ الف) لشکر نویسنده نوری نیز که به این ماجرا اشاره دارد، اقدام به حفر چاه را از تدابیر مقرب الخاقان مصطفی خان سرتیپ اول می‌داند. بدین ترتیب شاید بتوان فرض کرد که آن دویکی بوده‌اند و فرماندهی هزارسوار نیز می‌تواند مؤید رتبه نظامی او (سرتیپ اول) باشد. اما از آن جاکه در متون عصر ناصری از چندین مصطفی خان یا مصطفی قلی خان نام برده شده و ما هیچ اطلاع فزون‌تری درباره این شخص نداریم، نمی‌توان شرح احوال او را از دیگر افراد همانام او جدا کرد.

گویا بعد از مرگ حشمة‌الدوله در ۱۲۹۷ هـ. دفتر و دستگاه او نیز تعطیل شده و به مازندران رفته و این کتاب را در آن جا نوشته است. بدین ترتیب محتمل می‌نماید که اهل مازندران و از برکشیدگان میرزا شفیع مازندرانی بوده باشد. زمان تألیف نسخه نیز نامعلوم است، اما با توجه به شواهدی که در ذیل خواهد آمد، حدود تقریبی آن را ۱۳۰۵ هـ. تعیین می‌کنیم.

نخست آن که میرزا محمدخان سپهسالار را با پسوند مرحوم یاد کرده و از حاجی رحیم خان معاون لشکر با لقب خازن الملک نام برده است. مطابق متون تاریخی آن عصر، سپهسالار در ۱۲۸۴ وفات

سه گزارش مستقیم از سوی افراد حاضر در لشکرکشی مرو بر جای مانده است:

۱. سفرنامه مرو، نوشته سید محمد لشکرکشی نویسن نوری

۲. شرح مسافرت و خاطرات هنری دوکولیووف دو بلوک ویل فرانسوی

۳. سفرنامه حمزه میرزا

«سفرنامه حمزه میرزا»
مشمول بر شرح حال
ماجراها و حوادث مربوط به
لشکرکشی قشون ایران به
مرو در ذی القعدة ۱۲۷۶
هـ. است که باشکست
اردوی دولتی و هزیمت
آن‌ها در ربیع الثانی ۱۲۷۷
به پایان رسید

یافته^۵ و حاجی رحیم خان نیز در ۱۲۸۷ هـ. لقب خازن الملک گرفته است. ذکر نتیجه زمان تألیف کتاب به طور قطع بعد از ۱۲۸۷ هـ. است. دیگر آن که اگر چه نام حکمران مازندران که کتاب به او تقدیم شده را به صراحت ذکر نکرده، اما از او با لقب والی یاد می‌کند: «امیرالامراء العظام... والی دام مجده العالی». (گ ۱ الف) با گردآوری اسامی حکمرانان مازندران بعد از سال ۱۲۸۷ و مذاقه بر آن‌ها، تنها یک تن با لقب والی دیده می‌شود. آن فرد عبدالله خان والی است که از وابستگان دستگاه کامران میرزا نایب السلطنه بود. او سالیان تقریباً طولانی به نیابت از کامران میرزا حکومت گیلان و طولش را داشت و تنها از محرم ۱۳۰۵ تا رجب همان سال به مدت شش تا هفت ماه به نیابت از کامران میرزا در مازندران حکومت کرد.^۶ بدین ترتیب احتمال می‌رود که کتاب در همین مدت کوتاه نوشته شده است. احتمالاً نسخه نیز متعلق به شخص مؤلف می‌باشد که با انتقال عبدالله خان والی به تهران^۷، فرصت تکثیر و استنساخ این کتاب پیش نیامده است. در ضمن عبدالله خان، در سال ۱۲۹۸ هـ. به لقب والیگری ملقب شده است.^۸

سوم آن که برخی بی‌دقتی‌ها و بی‌نظمی‌ها در تقدم و تأخر حوادث، در متن دیده می‌شود که به خوبی گویای گذشت زمان و فاصله تقریباً زیاد تألیف کتاب از حادثه و نیز ضعف حافظه و کهنولت مؤلف است.

اهمیت این کتاب:

چنانکه در سطور پیش اشاره شد، این کتاب مشتمل بر شرح ماجراها و حوادث مربوط به لشکرکشی قشون ایران به مرو در ذی القعدة ۱۲۷۶ هـ. است که باشکست اردوی دولتی و هزیمت آن‌ها در ربیع الثانی ۱۲۷۷ به پایان رسید. مؤلف نخست با شرحی کوتاه درباره تدارکات لشکرکشی به شرح حوادث مربوط به حرکت اردو و طی مراحل و منازل مختلف از مشهد تا مرو و در زمان مراجعت از مرو تا مشهد و بعد به تهران پرداخته است و از این نظر کاملترین و مشروح‌ترین گزارش درباره جنگ مرو است که تا لحظه ورود اردوی شکست خورده به تهران را توصیف کرده است. متأسفانه اگرچه بخش قابل توجهی از قسمت‌های پایانی کتاب از میان رفته، اما هنوز حاوی مطالب منحصر به فردی راجع به هزیمت اردوی ایران و کیفیت این امر از مزو تا نزدیکی مشهد است. مطالبی که در هیچ یک

از منابع و متون آن عهد ثبت نشده و بدون شک از مهم‌ترین عوامل اهمیت و امتیاز این اثر محسوب می‌شود.

دومین نکته مثبت این تألیف اشراف نویسنده به اطلاعات و آگاهی از همه مسایل جاری در اردو است و این مهم به لطف وابستگی به حشمت‌الدوله برای او میسر شده است.

او خود تصریح می‌کند که «با هزار نفر ابواب جمعی خود از سواریه و شمخالچی، منصب سرکشیکچی باشی‌گری [حشمة‌الدوله] را اسماً و رسماً کل امور آن حضرت را شخصاً متصدی بوده» است و به ویژه بر «نگارش احکام از نظامی و غیرنظامی و سایر تحریرات» نظارت داشته و «در خلوت و جلوت همه جا همراه حشمت‌الدوله و از هر اتفاقی آگاه بوده» است. (گ الف - اب)

این موقعیت باعث شده تا از اخبار محرمانه اردو و ماجراهایی که بین سران اردو جریان داشت، اطلاع یابد و آگاهی‌های منحصر به فردی را در این خصوص برای آیندگان به ثبت برساند. همین امر یکی از نقاط ضعف اثر وی هم محسوب می‌شود، زیرا او را خود آگاه یا ناخود آگاه به جانبداری از دست پرورده خود یا پدرش سوق داده و با لحنی تدافعی او را جامع فضایل و خصایص لازمه یک فرمانده دانسته است. همچنین همه بی‌نظمی‌ها و نابسامانی‌هایی را که به شکست و هزیمت اردو منجر شد، به گردن قوام‌الدوله و سواریه هزاره به سرکردگی ملایوسف انداخته است و ولینعمت خود را از مسئولیت این شکست تبرئه می‌کند. همین جانبداری از حشمة‌الدوله او را در برخی موارد به تناقض‌گویی واداشته است.

یکی دیگر از ویژگی‌های این اثر که هم مزیت و هم نقص آن به شمار می‌رود، دوری زمان تألیف از زمان حادثه است. با توجه به مرگ یا کناره‌رفتن بسیاری از صاحب‌منصبان حاضر در جنگ مرو، نویسنده فرصت مناسبی داشته تا با آزادی بیشتری حقایق را مورد بحث و توصیف قرار دهد، بدون آنکه بیم ناراحتی و خشم کسی یا کسانی از آن‌ها را در سر داشته باشد. ظاهراً از همین رهگذر است که برخی گزارش‌های او به طور کامل یا در جزئیات با نوشته‌های دیگر منابع در تضاد است و زمینه مساعدی برای محققان امروزی در جرح و تعدیل و مقابله روایات جهت کشف حقیقت ایجاد کرده است. نویسنده جز دو مورد (آن هم اشتباه) از تاریخ حوادث را در نظر نگرفته است.

◀ تصویر صفحه دیگری از
سفرنامه حمزه میرزا

از جمله نکات مثبت سفرنامه
حمزه میرزا، اشراف نویسنده
به اطلاعات و آگاهی از همه
مسائل جاری در اردو است و
این مهم به لطف وابستگی به
حشمت الدوله برای او میسر
شده است

نوشته که گوینده آن را مشخص نکرده و ممکن است سروده خود او باشد. در این صورت باید گفت در سرودن شعر نیز تبحر داشته است.

پی نوشت ها:

- ۱- روی این سخن یا مورخی چون اعتمادالسلطنه است که در کتاب معروف خود، تاریخ منتظم ناصری، ج ۳، (تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، دنیای کتاب، ۱۳۶۷)، ص ۱۸۲۶ در شرح حوادث سال ۱۲۷۶ و ۱۲۷۷ نه تنها از جزئیات این واقعه ذکری به میان نیاورده، بلکه آن را پیروزی حشمةالدوله و فتح برخی قلاع ترکمان و فرار تراکمه (!) ثبت کرده است و در کتاب دیگر خود، المآثر و الآثار، (تصحیح ایرج افشار، اساطیر، ۱۳۷۴) ج ۱، ص ۷۲ در شرحی چند سطری نخست پیروزی اردوی ایران به سرداری حشمت الدوله بر تراکمه را ذکر کرده و در ادامه از شکست اردو به سوء تدبیر قوام الدوله خبر داده است.
- ۲- دردناکترین واقعه قاجار، خواندنی ها، سال ۳۱ (۱۳۵۰)، شماره ۸۵ به بعد.

۳- قدرت الله روشنی زعفرانلو، سه سفرنامه (مرو، مشهد، هرات)، دانشگاه تهران، ۱۳۴۷.

۴- بلای ترکمن، ترجمه محمدعلی جمالزاده، نگین، ۱۳۴۹، شماره ۶۲-۷۸.

۵- اعتمادالسلطنه، تاریخ منتظم ناصری، ج ۳، ص ۱۸۷۶.

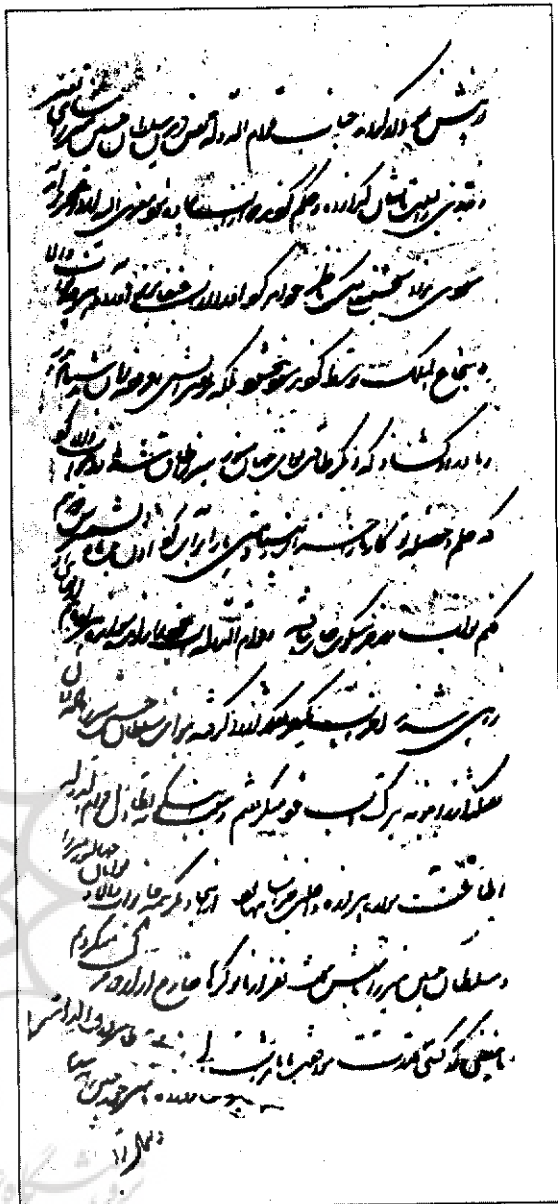
۶- منبع پیشین، ص ۱۹۱۶.

۷- رک: روزنامه ایران، انتشارات کتابخانه ملی ایران، ۱۳۷۶، ج ۴، شماره ۶۵۱-۶۳۸.

۸- انتقال او به تهران از آن جا معلوم است که سه چهار سال بعد در جریان واقعه رژی، واسطه ابلاغ فرمان تبعید میرزا حسن آشتیانی از طرف کامران میرزا و ناصرالدین شاه به مجتهد مزبور بود.

برای اطلاع بیشتر رک: اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات، تصحیح ایرج افشار، امیرکبیر، ۱۳۵۰، ص ۷۸۵.

۹- اعتمادالسلطنه، تاریخ منتظم ناصری، ص ۲۰۱۹.



یکی دیگر از مزایای کتاب که اهمیت آن را دو چندان ساخته، سبک بیانی نویسنده است. او با تشریح قضایا با صیغه اول شخص، خواننده را با خود به عمق حوادث می برد؛ چنان که گویی خود او شاهد عینی وقایع بوده است، به ویژه در ترسیم جو روانی رعب و وحشتی که از بیم ترکمانان بر اردو حاکم شده بود ید بیضا نموده است. در حالی که سفرنامه لشکرنویس با قالبی تصنعی و به صورت سوم شخص نوشته شده، به گونه ای که به نظر می رسد توسط فردی بیرون از گود تحریر شده باشد.

یکی دیگر از خصایص قابل توجه کتاب توصیف دقیق مکان های جغرافیایی محل توقف اردو است که از نظر مطالعات جغرافیای تاریخی منطقه فوق العاده مفید و ارزنده است، به ویژه برای بازسازی وضعیت جغرافیایی شهر و واحه مرو در آن زمان.

آخرین نکته در باب این اثر قدرت ادبی نویسنده است که با نثر زیبا و سلیس خود در انتقال مفاهیم به خواننده بسیار موفق عمل کرده است. در جای جای کتاب نیز اشعار و ابیاتی به تناسب متن